

## اهلیت

منظور از اهلیت در اینجا، اهلیت استیفاء یا توانائی قانونی برای اعمال و اجراء حقوق مدنی است. همهٔ انسان‌ها به حکم طبیعت و خلقت خدادادی دارای حقوق هستند ولی بعضی از انسان‌های صاحب حق ممکن است به دلایلی توانائی اعمال و اجراء حقوق خود را نداشته باشند. در مادهٔ ۱۲۰۷ قانون مدنی آمده است: اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق خود ممنوع هستند:

- صغار

- اشخاص غیر رشید

- مجانین.

بنابراین اشخاصی را که توانائی و صلاحیت لازم برای اجراء و اعمال حقوق مدنی خود ندارند، محجور (ممنوع) می‌نامند. به همین جهت جامعه و قانون به حمایت از آنان برمی‌خیزد و از راه تعیین ولی یا قیم و سرپرست، آنان را در اعمال و اجراء حقوق مدنی آنها یاری می‌دهد تا حقی از آنان ضایع و سلب نشود.

### - اهلیت بیمه‌گر:

برای اشتغال به امور و فعالیت‌های بیمه‌ای قانون شرایطی را پیش‌بینی کرده است. چنانکه مادهٔ ۳۱ قانون تأسیس بیمهٔ مرکزی ایران و بیمه‌گری می‌گوید: "عملیات بیمه در ایران

به وسیله شرکت های سهامی عام ایرانی که کلیه سهام آنها با نام بوده و با رعایت این قانون تجارت به ثبت رسیده باشند انجام خواهد گرفت.

بنابراین بیمه گری که فاقد پروانه تأسیس و فعالیت در رشته های بیمه باشد فاقد اهلیت قانونی برای اشتغال به اعمال و فعالیت های بیمه ای است و اگر به صدور بیمه نامه یا قرارداد بیمه اقدام کند، قرارداد او از درجه اعتبار ساقط است. همچنین اگر بیمه گری ورشکسته باشد از تاریخ توقف، از مداخله در امور مالی و حقوق مالی خود ممنوع است و حق انعقاد قرارداد صلح را ندارد (آشکار است که این منع قانونی تنها از جهت حفظ حقوق بستانکاران تاجر ورشکسته است و نه از جهت عدم اهلیت قانونی تاجر).

### – اهلیت بیمه گذار:

بیمه گذار ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد. در صورتی که بیمه گذار شخص حقوقی باشد (سازمان ها و مؤسسه های دولتی و خصوصی، شرکت ها، انجمن ها و ...) باید شرایطی را که قانون برای تشکیل مؤسسه ها، بنگاه ها و نهادها لازم و ضروری می داند داشته باشد. اینگونه اشخاص در حدود اساسنامه و اختیار قانونی خود توانائی و اهلیت انعقاد قرارداد و عقد (از جمله عقد صلح) را دارند. اما در صورتی که بیمه گذار شخص حقیقی باشد باید دارای اهلیت استیفاء یا توانائی قانونی برای اجراء حقوق خود باشد، بنابراین شخصی که در ردیف محجوران (صغیر، سفیه، مجنون) باشد به علت منع قانونی نمی تواند عقدی را منعقد کند. در این صورت ولی یا قیم یا سرپرست قانونی به نمایندگی از شخص محجور اقدام به بستن قرارداد (از جمله قرارداد صلح)

می کند. بنابراین شخص محجور نه می تواند قرارداد بیمه منعقد کند و نه اهلیت مصالحه و سازش در مورد خسارت وارد شده را دارد. بستن هر گونه قرارداد بیمه یا توافق او در مورد میزان خسارت از درجه اعتبار ساقط است. به همین جهت بیمه گران به هنگام انعقاد قرارداد (بررسی پیشنهاد بیمه و قبول آن) یا در موقع تصفیه خسارت ها و دریافت رسید (مفاصا حساب) باید به سن و سال و احوال شخصیتی طرف توجه کنند. این موضوع به ویژه در مورد خسارت های بدنی (بیمه حوادث اشخاص و بیمه شخص ثالث) در حالتی که عاقد قرارداد به هنگام بستن قرارداد بیمه سالم بوده ولی در موقع درخواست خسارت به علت حادثه ای دچار اختلال مغزی و روانی شده باشد، شایان توجه است.

همچنین در صورتی که معلوم شود درخواست کننده و گیرنده خسارت مالی (اموال منقول و غیر منقول) تاجر ورشکسته ای است (صدور حکم ورشکستگی با دادگاه است)، مصالحه او از درجه اعتبار ساقط است. چنانکه در ماده ۴۱۸ قانون تجارت آمده است: "تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیوان او باشد مدیر تصفیه، قائم مقام ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند."

همچنین ماده ۴۲۳ قانون تجارت بعضی از معامله هائی را که تاجر بعد از توقف خود می کند باطل و بی اعتبار می داند. به طور مثال هر مصالحه نامتعادل و حيله گرانه، "صلح محاباتی"،

هرگونه نقل و انتقال بدون عوض چه مال منقول باشد یا غیرمنقول، هر تأدیهٔ قرض و بدهی و هر معامله‌ای که به ضرر بستانکاران او تمام شود.

### بررسی اهلیت در بیمه

مسئلهٔ اهلیت یا توانائی انجام معامله و بستن قرارداد در زمینهٔ فعالیت حقوقی بیمه‌ای نیز اهمیت بنیادی دارد که به شرح آن می‌پردازیم.

## – اهلیت بیمه گر:

بیمه گر یک شخص حقوقی است که به صورت شرکت بازرگانی به ثبت رسیده و فعالیت می کند. ماده ۸۸ قانون تجارت: "شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف اُبوت و بُنوت و امثال آن".

اما شرکت های بیمه برای پرداختن به فعالیت بیمه گری می باید دارای اهلیت یعنی شرایطی باشند که قانون بیمه گری، مصوب ۱۳۵۰، ضوابط آن را تعیین کرده است. طبق ماده ۳۸ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری: "برای انجام عملیات بیمه در تمام رشته ها یا رشته معین باید قبلاً طبق مقررات این فصل، از بیمه مرکزی ایران پروانه تحصیل گردد". برای تحصیل پروانه مذکور متقاضی باید مدارک و اطلاعات زیر را به بیمه مرکزی ایران تسلیم کند:

– اساسنامه مؤسسه.

– میزان سرمایه مؤسسه.

– صورت کامل اسلامی شرکاء و مدیران و تابعیت و تعداد سهام هر یک از آنها.

– میزان سهام نقدی و غیرنقدی و نحوه پرداخت آنها.

– اسناد و مدارک و اطلاعات دیگری که بیمه مرکزی ایران برای احراز صلاحیت مالی و فنی

مؤسسه و حسن شهرت مدیران لازم بداند.

بایسته است یادآوری کنیم که ضابطهٔ قانونی در مورد اجازهٔ فعالیت شرکت بیمه زمانی تنظیم و صادر شده بود که فعالیت‌های بیمه‌ای در ایران، در هر دو بخش دولتی و خصوصی، روا و مجاز بود. پس از ملی شدن مؤسسه‌های بیمه و به‌ویژه پس از گنجاندن انحصاری بودن بیمه در اصل چهل و چهارم قانون اساسی، فعالیت بخش خصوصی و تعاونی در زمینهٔ بیمه لغو شد و ساختار تمرکز شدید (دولتی شدن بیمه) راه را برای خصوصی‌سازی و آزادسازی فعالیت‌های بیمه‌ای مسدود کرد. بنابراین، صلاحیت یا اهلیت بیمه‌گری و فعالیت‌های بیمه‌ای در انحصار دولت است و هیچ مؤسسهٔ خصوصی یا تعاونی اهلیت و صلاحیت داشتن حقوق قانونی برای انجام دادن فعالیت بیمه‌ای و دادن تأمین به مردم را ندارند.

در حال حاضر، تنها چهار شرکت بیمهٔ دولتی شامل بیمهٔ ایران، بیمهٔ آسیا، بیمهٔ البرز و بیمهٔ دانا صلاحیت و اهلیت انجام امور بیمه‌های بازرگانی را دارند و بیمهٔ مرکزی ایران به‌عنوان سازمان کنترل بر فعالیت شرکت‌های بیمه بر آنها نظارت می‌کند. به لحن دیگر، انجام بیمه‌های مستقیم یا قبول پیشنهاد بیمه و صدور بیمه‌نامه و تصفیهٔ خسارت‌های مربوط از وظایف بیمه‌گران مستقیم است و صلاحیت نظارت و هدایت این شرکت‌ها با بیمهٔ مرکزی ایران است که به موقع دربارهٔ سازمان، هدف و وظایف و اختیارهای آن بحث خواهد شد.

### – اهلیت بیمه‌گذار:

بیمه‌گذاران اشخاص طبیعی یا حقیقی هستند که برای کسب تأمین به شرکت‌های بیمه یا نمایندگان آنها مراجعه می‌کنند و با دادن پیشنهاد بیمه (تقاضانامه و قبول بیمه‌گر) قرارداد بیمه

می‌بندند. بنابراین بیمه‌گذار برای انعقاد قرارداد می‌باید اهلیت یا توانائی بستن قرارداد بیمه را داشته باشد. بر پایه آنچه پیش از این گفتیم اشخاص صغیر، سفیه (غیررشید) و دیوانگان گرچه صاحب حق هستند ولی به علت نداشتن اهلیت استیفاء یا ناتوانائی اجرائی خود نمی‌توانند قرارداد بیمه منعقد کنند. بنابراین اجراء حقوق آنان، از قبیل بستن قرارداد بیمه، به عهده ولی یا قیم (نمایندگان قانونی آنان) است. به همین جهت، بیمه‌گران در هنگام تکمیل پیشنهاد بیمه و ارزیابی آن می‌باید به سن (تاریخ تولد) و مسئله رشد عقلی تقاضاکننده بیمه توجه کنند و در صورت احراز اثبات و ادعای عدم اهلیت استیفاء آنان از امضاء و صدور بیمه‌نامه یا تنظیم قرارداد بیمه خودداری کنند. البته اصل بر این است که همه اشخاص به گونه‌ای یکسان از حقوق مدنی برخوردار هستند مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. بنابراین در صورت احراز و اثبات خلاف (نداشتن اهلیت استیفاء)، قرارداد بیمه باطل می‌شود.

آشکار است که اثبات عدم اهلیت استیفاء یا به لحن رساتر احراز اهلیت اجراء و بهره‌وری از حق یا صلاحیت دخل و تصرف در اموال و حقوق مالی در صلاحیت دادگاه قانونی است. در واقع، تشخیص و تضمین و پشتیبانی از حقوق اشخاص و بهره‌مندی و اجراء آنها تابع رأی و تصمیم مراجع دادگستری و عدالت‌گری است. به هر صورت اصل و قاعده حقوقی بر توانائی و صلاحیت داشتن حقوق مدنی و اجراء و بهره‌وری از حقوق انسانی است. بدین سان عدم اهلیت و صلاحیت امری استثنائی است که می‌باید توسط دادگاه صلاحیت‌دار احراز و اثبات شود.

اثبات عدم اهلیت شرکت بیمه در مورد صدور بیمه نامه و پذیرش تعهد در یک رشته یا تمام رشته های مجاز بیمه یا لغو پروانه بیمه گری، با مراجعه به بیمه مرکزی ایران و بررسی پیشینه و پروانه بیمه گری مؤسسه روشن می شود و تصمیم شورای عالی بیمه در این باره به مرحله اجراء درمی آید و صاحبان حقوق می توانند به حق خود برسند و گرنه موضوع به دادگاه ارجاع خواهد شد.



## حقوق مربوط به اهلیت

علاوه بر داشتن اهلیت مدنی انسان دارای شخصیت و قدرت دفاع از حقوق فردی و اجتماعی خود می باشد. حق فرد در دفاع از شخصیت مدنی، از حیثیت مدنی، از ضرر و زیان وارده و ناشی از جرم و احوال شخصیه، از حقوق شخصی، مالی و سیاسی خود حقی است که قانون به او اعطاء نموده و از آن حمایت می نماید و به این جهت محترم می باشد.

از دیگر آثار حیات افراد طبیعی حق داشتن تابعیت مشخص و مسلمی است که تا سلب تابعیت یا ترک تابعیت نشود دارای آثار و احکامی است که برابر قوانین و مقررات مربوط، معین و مشخص و محترم می باشد از جمله حقوق شخص حقیقی تحت عنوان ممیزات اشخاص یعنی معلوم نمودن مشخصات کامل هر فردی می باشد که در سند رسمی یعنی شناسنامه درج می گردد و معرف هویت و شناسائی وی بوده و به وسیله آن می تواند حقوق حقه خود را اعمال نماید و این مسائل در قانون مدنی و قانون ثبت احوال معین گردیده که از موضوع بحث ما خارج است.

لیکن ذکر این نکته لازم است که اشخاص حقیقی علاوه بر تابعیت دارای اقامتگاهی هستند که مرکز اصلی امور آنان بوده و قانوناً باید مشخص باشد همچنان که در ماده ۱۰۰۲ قانون مزبور چنین آمده است اقامتگاه هر شخص عبارت است از محلی که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد، اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب می شود که به طور کلی برای افراد حقیقی اقامتگاه حقیقی، انتخابی یا قراردادی و اجباری پیش بینی گردیده است که در قانون مدنی مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه اینکه شخص حقیقی تا در قید حیات است دارای شخصیت حقوقی بوده و می تواند حقوق و تکالیف خود را انجام دهد و از اهلیت تمتع و استیفاء بهره مند گردد مگر اینکه جزو محجورترین باشد ولی با فوت انسان پرونده زندگی او بسته می شود و شخصیت حقوقی او منتفی می گردد.